

**گرامی باد 8 مارس (18 اسفند سال 1402) روز جهانی دفاع از حقوق زنان، مبارزه علیه تبعیض و نابرابری جنسیتی و اعتراض به خشونت علیه زنان و اذیت و آزارشان در خانه، خیابان و محل کار و تحصیل**

- گرامی داشت روز جهانی زن توسط فعالین حقوق زنان سنندج
- کانون نویسندگان ایران 8: مارس؛ روز گرامی داشت مبارزات زنان
- بیانیه‌ی بیدارزنی به مناسبت هشت مارس، روز جهانی زنان
- بیانیه مشترک جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن، دانشجویان، زندانیان سیاسی سابق، معلمان پیشرو، و دادخواهان در داخل و خارج کشور به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن
- گرامی باد مبارزه ۴۵ ساله علیه حجاب و عفاف، علیه قوانین و رژیم اسلامی، زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی
- کنش های دامنه کارگران واحد زغالشویی کارخانه البرز مرکزی سوادکوه در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و قربانی توطئه مدیران شرکت زغال سنگ البرز مرکزی شدن
- ادامه اعتراضات پرستاران نسبت به عدم پرداخت بقوق بیمارستان 12 فروردین کهنوج با استعفای دسته جمعی و شکایت از دانشگاه علوم پزشکی جیرفت
- در ادامه سرکوب معلمان
- ابلاغ نهایی حکم اخراج محمود ملاکی بازرس کانون صنفی معلمان پوشهر توسط دیوان عدالت اداری
- دیوان عدالت اداری با رد تجدید نظر خواهی آموزش و پرورش گیلان رای برقراری رتبه بندی حسن نظریان معلم اخراجی مجددا تایید کرد
- اقدام به خودکشی يك راننده شرکت کشت و صنعت حکیم فارابی بدلیل عدم پرداخت حقوق
- مرگ و سوختگی 4 کارگر پالایشگاه نفت آفتاب بندرعباس بر اثر آتش سوزی

\*\*\*\*\*

\*گرامی داشت روز جهانی زن توسط فعالین حقوق زنان سنندج

روز چهارشنبه 16 اسفند: گلباران مزار جان باختگان اعتراضات سراسری سال 1401 در آرامستان بهشت محمدی این شهر

روز پنج شنبه 17 اسفند، بخش گل و اطلاعیه روز جهانی زن در سطح شهر









### \*کانون نویسندگان ایران 8: مارس؛ روز گرمی‌داشت مبارزات زنان

هشت مارس، که در تقویم جهانی روز زن نام گرفته، گرمی‌داشت نخستین اعتراض‌های سازمان‌یافته‌ی زنان جهان و سرآغاز مبارزهای است که بیش از صدوپنجاه سال از عمر آن می‌گذرد. مبارزهای پرفراز و نشیب و پر دامنه که در گذر زمان از خواست بهبود شرایط اسفناک کار، به نبرد

با محرومیت و تبعیض و نابرابری در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی رسید و با دست‌آوردهایی که در حوزه‌های گوناگون آموزش و اشتغال و سیاست به ارمغان آورد هم پایه‌های سرمایه را به لرزه انداخت و هم ضربه‌هایی سهمگین به دیوار مردسالاری زد.

واقعیت البته نشان می‌دهد که نه نظام سرمایه دست از تکاپوی بهره‌کشی از زنان برداشته است نه مردسالاری دیرینه، و هر دو - گاه با هم‌دستی و گاه در رقابت - پیوسته راه‌هایی تازه جسته‌اند تا پابرجا بمانند و حتی مواضع از دست‌رفته را باز پس گیرند.

با این همه، برگ تازه‌ی تقویم تاریخ که این سال‌ها به همت زنان ایرانی ورق خورد یک بار دیگر به جهانیان گوشزد کرد که عرصه‌ی مبارزه برای دستیابی به زندگی و حقوق شایسته‌ی انسانی پیوسته رزم‌آورانی تازه می‌یابد که با شیوه‌های نو به میدان می‌آیند.

زنان آزادی‌خواه ایرانی که سال‌ها برای رهایی از قید استبداد و سنت‌های ارتجاعی جنگیده بودند در سال ۵۷ نخستین قربانیان حاکمیت واپس‌گرای مذهبی بودند و به چشم خود دیدند که چگونه اندک حقوق‌شان که از پس چندین دهه مبارزه به دست آمده بود به‌سادگی بر باد رفت و سرکوب سیستماتیک زنان به شکل‌های گوناگون از جمله تحمیل حجاب گسترش یافت. بنابراین راهی جز ادامه‌ی مبارزه باقی نمانده بود. از این رو نخستین تشکل‌های مردمی، فعال‌ترین و اثرگذارترین‌شان را زنان به راه انداختند. و پس از سرکوب همه‌ی این سازمان‌ها در دهه‌های بعدی نیز هرگز میدان مبارزه از زنان شایسته‌ی آزادی خالی نماند. برخی بی‌پرده و پروا حتی با نثار جان به پیش تاختند و دیگرانی با ایستادگی در برابر عرف و سنت دست به نبردی زدند که زیر پوست جامعه جریان یافت و گام به گام و نسل به نسل پیش رفت تا سرانجام به نام مهسا (ژینا)، که ستم‌کارانه به قتل رسید، با فریاد «زن زندگی آزادی» در خیابان‌ها طنین‌انداز شد. فریادی چنان فراگیرنده که از یک سو مردانی از پیر و جوان را به همراهی برانگیخت تا گواهی دهند که نظام ستم و سلطه‌ی مردانه بار دیگر، جایی دیگر، تَرَک برداشته است و از سوی دیگر توانست بسیاری را در سراسر کشور برای برچیدن بساط ستم و سرکوب و سانسور راهی خیابان‌ها کند. زنان آزاده‌ی ایرانی - از روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده و هنرمند تا دانشجو، دانش‌آموز، کارگر و خانه‌دار - نشان دادند که به‌رغم تهدیدها و بازداشت‌های مکرر، به‌رغم وجود انواع شکنجه در زندان‌ها که اخبارش بیرون می‌آید، به‌رغم احکام سنگین حبس و اعدام که با شدت و شماری افزون‌تر جریان داشته است، با وجود محرومیت‌های اجباری از تحصیل یا امکانات تأمین معاش و .... از مبارزه دست بر نخواهند داشت.

کانون نویسندگان ایران با بزرگداشت خاطره‌ی مهساها، نیکاه‌ها و آرمیتاها که جان عزیزشان در این راه فدا شد، این روز تاریخی را به تمامی زنان و مردان آزادی‌خواه شادباش می‌گوید - به‌ویژه به زنان شجاعی که حتی در بند یا زیر سایه‌ی تهدید آن نیز برای آشکار کردن تباهی قلم می‌زنند زیرا دریافته‌اند که «آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان» ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق و پاس‌داشت زندگی شایسته‌ی انسانی است.

۱۷ اسفند ۱۴۰۲ (۷ مارس ۲۰۲۴)

**\*بیانیه‌ی بیدارزنی به‌مناسبت هشت مارس، روز جهانی زنان**

از هشت مارس گذشته تا سال جاری، زنان، ثابت‌قدم‌تر از همیشه با ایستادگی و مقاومت خود، مبارزه‌ای روزمره را زندگی کرده‌اند. سال گذشته و در خلال قیام ژینا، با وجود حملات شیمیایی به مدارس، تداوم بازداشت‌های گسترده و آغاز پرونده‌سازی‌های امنیتی جدید برای خانواده‌های جان‌باختگان این قیام، باز هم زنان و فعالان حقوق زنان، با سر دادن مطالبات خود، به خیابان‌ها آمدند.

سال ۱۴۰۲، با اشد سرکوب‌های حاکمیت آغاز شد. مردمی که - چه در طی دهه‌های گذشته و چه در طی قیام ژینا - برای حق زندگی، پایان فقر و چپاول، آزادی و برابری و مبارزه با تمامی قوانین واپس‌گرای استثمارگرانه، خیابان‌ها را به تسخیر خود درآورده بودند، حالا با گرانی‌های کمرشکن و مشته‌هایی در آستین و گرچه دور شده از خیابان‌ها، سال ۱۴۰۲ را آغاز کردند. در این میان اما مردم بلوچ، سنگر خیابان را با تداوم جمعه‌های اعتراضی خود حفظ کردند.

طی یک سال گذشته، خشونت سیستماتیک علیه زنان ادامه داشته و در مقایسه با گذشته، گزارش‌های بیش‌تری از «زن‌کشی» و «قتل‌های ناموسی» منتشر شده است. زنان و کودکان قربانی کودک‌همسری، در محرومیت کامل از حقوق انسانی و قضایی خود و در فقدان بهره‌مندی از کنوانسیون منع خشونت علیه زنان و - حق طلاق و خروج از زندگی خشونت‌بار - همچنان کشته می‌شوند. این قتل‌ها با گستردگی ابزارهایی نظیر شلیک گلوله، ضربات چاقو، خفگی، به‌دار آویختن و در مواردی جدا نمودن سر از تن و مثله‌سازی بدن زنان و کودکان دختر همراه بوده است. علاوه بر زنانی که به بهانه‌ی دفاع از گزاره‌های ارتجاعی «ناموس» و «غیرت» توسط پدر، برادر، همسر، فرزند پسر، بستگان و ... کشته شدند، در سال‌های اخیر، مواردی از کشته شدن اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ نیز گزارش شده است. مورد اخیر آن، قتل نوجوانی ۱۷ ساله است که به بهانه‌ی «رفتارهای زنانه و آرایش زنانه» توسط پدر خود در تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه سال جاری به قتل رسید.

از سال گذشته تا کنون، وضعیت اقتصادی، حق اشتغال و معیشت زنان - به‌ویژه برای زنان کارگر - نیز سراسر تبعیض‌آمیز و در مواردی با جان سپردن زنان کارگر (در سایه‌ی فقدان ایمنی در محیط کار) همراه بوده است.

در کنار این فقر حداکثری و آپارتاید اقتصادی، بدن زنان نیز همچنان آماج سیاست‌های حکومتی مانند طرح جوانی جمعیت بوده که علاوه بر سلب حق سقط جنین، به صدور احکام قضایی و ابطال پروانه پزشکی متخصصان و در مواردی پلمپ مراکز درمانی منجر شده است.

در این میان، پرونده‌سازی امنیتی و اجرای احکام حبس برای زنان دارای پوشش اختیاری، مادران و خانواده‌های دادخواه -به‌ویژه قیام ژینا-، زنان و مردان مبارز در تشکل‌های صنفی معلمان، بازنشستگان و فعالان کارگری، نویسندگان و روشنفکران و به‌طور خاص فعالان حقوق زنان، با شدتی حداکثری در جریان است. از گیلان تا تهران و کردستان، بسیاری از فعالان حقوق زنان با افزایش خشم حکومت نسبت به خود، بازداشت‌های گروهی، فردی و با خشونت‌های بی‌شمار در بازداشت و روند بازجویی، روانه زندان شده‌اند یا در آستانه صدور احکام حبس قرار دارند.

امسال، ژینای دیگری کشته شد؛ آرمینا گراوند، نوجوانی سراسر شور زندگی که در پی ضرب و شتم ماموران ایستگاه مترو شهدا در تهران دچار خونریزی جمجمه شد و پس از ۲۸ روز اغما جان سپرد. سال جاری، سال خون و اعدام بود. اعدام سه‌نفر از بازداشت‌شدگان قیام ژینا و اعضای پرونده خانه

اصفهان (سعید یعقوبی، مجید کاظمی و صالح میرهاشمی)، همچنین «محمد قبادلو» در کنار بی‌شمار زندانیان عقیدتی و یا جرایم عمومی در زندان‌های کشور، حاکی از ولع حاکمیت برای حکمرانی به هر قیمتی است.

در سالی که گذشت، دانشگاه‌ها نیز از چکمه‌ی نیروهای امنیتی بی‌نصیب نماندند. اخراج، تعلیق، محرومیت از خوابگاه و ... سهم دانشجویانی شد که تجربه‌ی به‌لرزه درآوردن دانشگاه را زیر پای خود به‌ثبت رسانده بودند.

علی‌رغم تمامی این سرکوب‌ها و به‌کارگیری ابزارهای وحشیانه، اما زنان، جسورتر و بی‌باکتر از گذشته ایستاده‌اند. کافی است به ممارست روزمره‌ی زنان معتقد به پوشش اختیاری نگاهی بیندازیم. کافی است به تلاش دانشجویان و دانش‌آموزان دختر برای تسخیر فضایی هرچند کوچک، جهت انعکاس صدای مخالف‌شان گوش دهیم. ما شور زندگی مردان و زنان معترضی که با آسیب‌دیدگی چشمی و مصائب آن، هنوز هم باور به تغییر بنیادین دارند را از یاد نبرده‌ایم، چرا که گفتند: «با یک چشم نیز می‌توان سقوط دیکتاتور را دید.»

ما زمزمه‌کنان، سرود رهایی زن را سر می‌دهیم و باور داریم که با اتکا بر حق تعیین سرنوشت به دستان خود، ظلمات ارتجاع را با روشنی خورشید، ویران خواهیم کرد.

زنده‌باد رهایی زنان

زنده‌باد بیداری زنان

زنده‌باد آزادی

**\*بیاتیه مشترک جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن، دانشجویان، زندانیان سیاسی سابق، معلمان پیشرو، و دادخواهان در داخل و خارج کشور به مناسبت ۸مارس روز جهانی زن**

**گرامی باد مبارزه ۴۵ ساله علیه حجاب و عفاف، علیه قوانین و رژیم اسلامی، زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی**

هشت مارس روز جهانی زن ۱۴۰۲ در حالی فرا میرسد که انقلاب زن زندگی آزادی که پس از قتل حکومتی مهسا/ژینا امینی آغاز شد، تاکنون در مبارزه علیه بنیان‌های رژیم اسلامی، ضربات مهلکی به "حجاب" زده و چنانچه از روند کارزار "بیحجابی سراسری" در سطوح مختلف جامعه، و نیز در طرف مقابل از عملکرد حکومت و دستگاه‌های سرکوب آن مشهود است، خاکریز حجاب از دست حکومت خارج شده است.

آری، چنین است؛ حکومتی که با کوبیدن حجاب به پیشانی زنان با پونز، با اعدام و شکنجه و تجاوز و زندان سر کار آمده، با "حجاب سوزان" در روزهای آتشین انقلاب زن زندگی آزادی و در ادامه با رشد و گسترش "بیحجابی سراسری"، به ورطه سقوط کشیده میشود چرا که یکی از ارکان و پایه‌ها و سنگ‌های اساسی آن به درجات بسیاری از دست رفته و در برابر ایستادگی و مقاومت جانانه زنان در برابر تحمیل حجاب، و همراهی مردان برابری طلب و آزادیخواه، مستاصل تر از هر زمانی است.

امسال ۴۵مین سالگرد تظاهرات باشکوه زنان و مدافعین حقوق زن و نیروهای انقلابی و رادیکال در هشت مارس سال ۵۷ علیه فرمان خمینی به حجاب - این نماد بردگی و تحقیر زن و پرچم اسلام سیاسی - است که با شعارهای "آزادی نه شرقی است نه غربی ست"، "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم"، "استبداد به هر شکلش محکوم است"، "ما خواستار حکومتی هستیم که بر پایه برابری انسانها استوار باشد"، "آزادی زن آزادی جامعه"، پاسخی تاریخی و درخور به حجاب و قوانین اسلامی و مصادره کنندگان انقلاب ۵۷ به نفع جنبش اسلام سیاسی (که هر جا به قدرت رسیده اند با حجاب کشیدن بر سر زنان و کودکان و حمله به مدنیت و مدرنیسم و دستاوردهای انسانی، قدرت خود را تثبیت کرده اند) داد.

انقلاب زن زندگی آزادی، تجلی جنبش نوین رهایی زن است که در هشت مارس ۵۷ برای رهایی زن و رهایی جامعه و علیه حجاب و قوانین اسلامی شکل گرفت و دانه درخت تنومند "انقلاب زنانه" در ایران را کاشت و در سال ۱۴۰۱ در برابر حکومتی که با حجاب به جان زنان و جامعه افتاده و برای حفظ حجاب و ارزشهای اسلامی حاضر است مهساژینا را به قتل برساند، قد علم کرد.

در ادامه اما، حکومت برای حفظ خود با قتل نیکا، سارینا، آرنیکا، حدیث، یلدا، آیدا، مریم، اسراء و غزاله و ده ها زن دیگر که به خیابان آمدند، با تجاوز در ملاء عام و بازداشتگاهها، با شلیک مستقیم به چشم و اندام جنسی زنان برای درس عبرت دادن، با اعدام معترضین، با قتل حکومتی آرمیتا گراوند، با بازداشت فعالین و پرونده سازی و صدور احکام سنگین، با شلاق و حجاب بان، با محرومیت زنان از خدمات اجتماعی، با بیکار سازی، تمام تلاش خود را کرده تا با حمله به زنان که نیروهای محرکه انقلاب زن زندگی آزادی اند، انقلاب زن زندگی آزادی را سرکوب کند.

اما انقلاب زن زندگی آزادی به اشکال مختلف در لایه های عمیق جامعه ایران زنده و جاری است چرا که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی آنقدر در جامعه ایران نهادینه بوده و هست که پس از گذشت بیش از چهار دهه از قدرت گیری جمهوری اسلامی، نه این حکومت توانست با ایجاد رعب و وحشت زنان را از مبارزه باز دارد و مطیع و برده خود کند، و نه هیچ نیروی دیگری از جمله فمینیست های اسلامی برآمده از دل جریان اصلاحات توانست ارزشهای ارتجاعی را به آن خفته کنند؛ اینجا نقش زنان مبارز ایران که ده ها سال، پرچمداران جنبش رادیکال و پیشرو زن، علیه حجاب و قوانین اسلامی بوده و هستند آنچنان حائز اهمیت است که با وقوع انقلاب زن زندگی آزادی در جهان از آن به عنوان اولین "انقلاب زنانه" تاریخ بشریت یاد میکنند که قطعا الهام بخش مبارزه زنان در افغانستان علیه طالبان و دیگر کشورهای اسلامی زده در خاورمیانه علیه جریانات اسلامی است.

ما جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن، دانشجویان، زندانیان سیاسی سابق، معلمان پیشرو، دادخواهان در داخل و خارج کشور، بر این باوریم که جامعه ایران و در صف مقدم آن، زنان از تهران تا کردستان تا بلوچستان و خوزستان و آذربایجان و جای جای ایران با جدال و مبارزه مستمر و روزانه با عوامل رژیم علیه حجاب اجباری، برای کرامت و شان و منزلت انسانی زن، بر سر مطالبات پیشرو زنان، علیه سرکوب و شکنجه و تجاوز و زندان و اعدام و استثمار و بردگی، برای یک جامعه مرفه و شاد و آزاد و برابر و سکولار برای همه، در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی از کف خیابان تا زندانها نقش بسزایی دارند؛ چنانچه "بند زنان زندان اوین" را تبدیل به خط مقدم جبهه مقابل جمهوری اسلامی کرده اند.



ما امضا کنندگان این بیانیه، تاکید بر محافظت از دستاورد مهم و تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی که سنگر فتح شده حجاب باشد، و گسترش هرچه بیشتر و تثبیت بیحجابی سراسری در سطوح مختلف جامعه از خیابان، تا دانشگاه و مدارس و محیط کار داریم.

ما تاکید داریم برای فتح خاکریزهای بعدی همچون "تفکیک جنسیتی" (که از زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی یک ابزار قانونی برای روبروی هم قرار دادن "زن" و "مرد" بوده و بستر بی حقوقی های متعددی برای نیمی از جامعه پهن کرده)، باید قاطعانه از مبارزات بی وقفه دانشجویان حمایت کنیم و خاکریز به خاکریز از دست حکومت خارج کنیم.

برای پایان دادن به کودک کشی و زن کشی، برای پایان دادن به بردگی جنسی، برای پایان دادن به قتل های ناموسی، برای پایان دادن به ستم به رنگین کمانیها، برای پایان دادن به اعدام، برای نجات انسانها پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی تنها فرصت پیش روی ما است تا با درهم کوبیدن نظام آپارتاید جنسی و جنسیتی، نرینه سالار و مذهبی و تا مغز استخوان ضد زن است و نیمی از جامعه را از ابتدایی ترین حقوق خود به صورت قانونی محروم کرده و با خشونت و جنایات سازمان یافته قانونی و دولتی و قضایی، زندگی میلیونها زن در ایران را به نابودی کشانده است، و کل جامعه را به گروگان گرفته، به زیر بکشیم.

ما از تمامی دولتهای جهانی میخواهیم که جمهوری اسلامی را بعنوان یک رژیم آپارتاید جنسیتی بایکوت کنند. چرا که این رژیم زن کش در داخل ایران مشروعیتی ندارد و خواست ما از جامعه جهانی هم مشروعیت زدایی از این رژیم است.

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا (جمعی از فعالین داخل و خارج کشور):

-را حله احمدی / فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق

-رها احمدی / مدافع حقوق زنان و کودکان

-عظمت اژدری / از خانواده های دادخواه هواپیمای اوکراینی

-صبا آلاله / روانشناس بالینی، روان تحلیل گر سیاسی و اجتماعی

-سوری بابایی چگینی / فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی

-لادن بازرگان / از خانواده های دادخواه دهه شصت شمسی

-کوکب بداغی پگاه / فعال صنفی معلمان

-فریبا برهان زهی / فعال حقوق زنان و اهل بلوچستان

-نصرت بهشتی / معلم بازنشسته، فعال جنبش زنان و کارگری

-شعله پاکروان / مادر دادخواه زنده یاد ریحانه جباری

-مهسا پیرایی / دختر دادخواه مینو مجیدی از کشته شدگان انقلاب زن زندگی آزادی

-بنفشه جمالی / فعال حقوق زنان

-آزاده دواچی / فعال حقوق زنان

-فرشته دیدنی / فعال حقوق زنان

-آذین رضایی / فعال حقوق زنان

-ملیکا زر / مدیر اجرایی شبکه شش‌رنگ و کنشگر جامعه ال‌جی‌بی‌تی+

-سارا سیاهپور / فعال صنفی معلمان

-حدیث صبوری / فعال حقوق زنان

-شیرین شمس / از مسئولین تشکل انقلاب زنانه

-نسبیه شمسایی / فعال حقوق زنان

-جوانا طیمسی / همسر دادخواه زنده یاد محسن مظلوم

-نرگس ظریفیان / فعال حقوق زنان

-منیره عربشاهی / فعال جنبش زنان

-سهیل عربی / زندانی سیاسی در تبعید، کارگر دادخواه

-بیان عظیمی / همسر دادخواه زنده یاد پژمان فاتحی

-محبوبه فرحزادی / عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران

-علی قلی‌لو / فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق

-مژگان کشاورز / فعال حقوق زنان

-ماریا محمودی / همسر دادخواه محمد فرامرزی جانباخته راه آزادی

-رادا مردانی / فعال جنبش معلمان

-آوین مصطفی‌زاده / فعال حقوق بشر و زنان

-سوران منصورنیا / برادر دادخواه برهان منصورنیا از کشته شدگان آبان ۹۸

-مهدی موسوی / شاعر و نویسنده، مدافع حقوق زنان

-خدیجه مهدی‌پور / فعال سیاسی

-پوران ناظمی / فعال حقوق زنان

-مهشید ناظمی / فعال حقوق زنان

تشکل‌ها، نهادها و گروه‌های دانشجویی:

-تشکل دانشجویان پیشرو

-نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال

-تشکل آزاد اندیشان جندی‌شاپور

-اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا

-نهاد دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان

-اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

-انجمن دانشجویان آزادی‌خواه دانشگاه بهشتی

فعالین و دانشجویان:

-دانشگاه اصفهان

-دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

-دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

-دانشگاه آزاد شهرقدس

-دانشگاه شیراز

**\*کنش‌های دامنه کارگران واحد زغالشویی کارخانه البرز مرکزی سوادکوه در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و قربانی توطئه مدیران شرکت زغال‌سنگ البرز مرکزی شدن**

روز پنجشنبه 17 اسفند، کارگران بیکار شده زغالشویی کارخانه البرز مرکزی سوادکوه بدنبال پلمب این واحد توسط مراجع قضایی از کنش‌های دامنه دارشان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و قربانی توطئه مدیران شرکت زغال‌سنگ البرز مرکزی شدن در اختلاف با پیمانکار خبردادند.



واحد زغالشویی کارخانه دولتی البرز مرکزی واقع در شهرستان سواد کوه در استان مازندران به دلیل تخلفات پیمانکار و شکایت مدیرعامل شرکت پلمب شده و تعدادی از کارگران آن در آستانه عید نوروز بیکار شده‌اند، این درحالی است که هیچ حق بیمه‌ای برای آنها واریز نشده و اکنون امکان دریافت حقوق بیکاری هم ندارند.

یکی از کارگران شرکت زغال سنگ البرز مرکزی با بیان اینکه از پاییز تاکنون حقوقی دریافت نکردیم و بیمه هم واریز نشده است، به خبرنگار رسانه ای گفت: نه تنها حقوق و بیمه ما را واریز نکردند، بلکه باوجود اینکه به ما قول داده بودند تا برج 11 الی 12 به سرکار برمی‌گردیم، اما هنوز کاری برای ما انجام نداده‌اند.

وی با بیان اینکه از فرمانداری و استانداری پیگیری کردیم و حکم اجرای احکام هم گرفته‌ایم، اضافه کرد: عوامل شرکت البرز به ما گفته بودند که از پیمانکار شکایت کنید تا بیمه بیکاری بگیریم، اما بیمه بیکاری تعلق نگرفت، زیرا اداره کار و تامین اجتماعی به ما گفت اصلاً حق بیمه‌ای برای شما واریز نشده و لذا بیمه بیکاری هم به شما تعلق نمی‌گیرد.

این کارگر با گلایه نسبت به وضعیت پیش آمده، تصریح کرد: شرکت قصد برداشتن پیمانکار را داشت و کارگران را جلو انداخت تا کارش پیش برود، البته ما هم از پیمانکار راضی نبودیم، چون بیمه و سختی کار از شرکت دریافت نمی‌کردیم.

این فرد با تاکید بر پیش رو بودن عید و مشکلات اقتصادی گفت: شرکت البرز مرکزی تا تعیین پیمانکار جدید می‌تواند با نظارت یک نماینده از سوی شرکت، کار را دوباره راه‌اندازی کند و ما برای



خود شرکت البرز کار کنیم تا لااقل شب عیدی مشکلات اقتصادی و دست تنگی ما را شرمنده خانواده نکند، اما کسی به داد ما نمی‌رسد و عوامل شرکت پاسخگو نیستند.

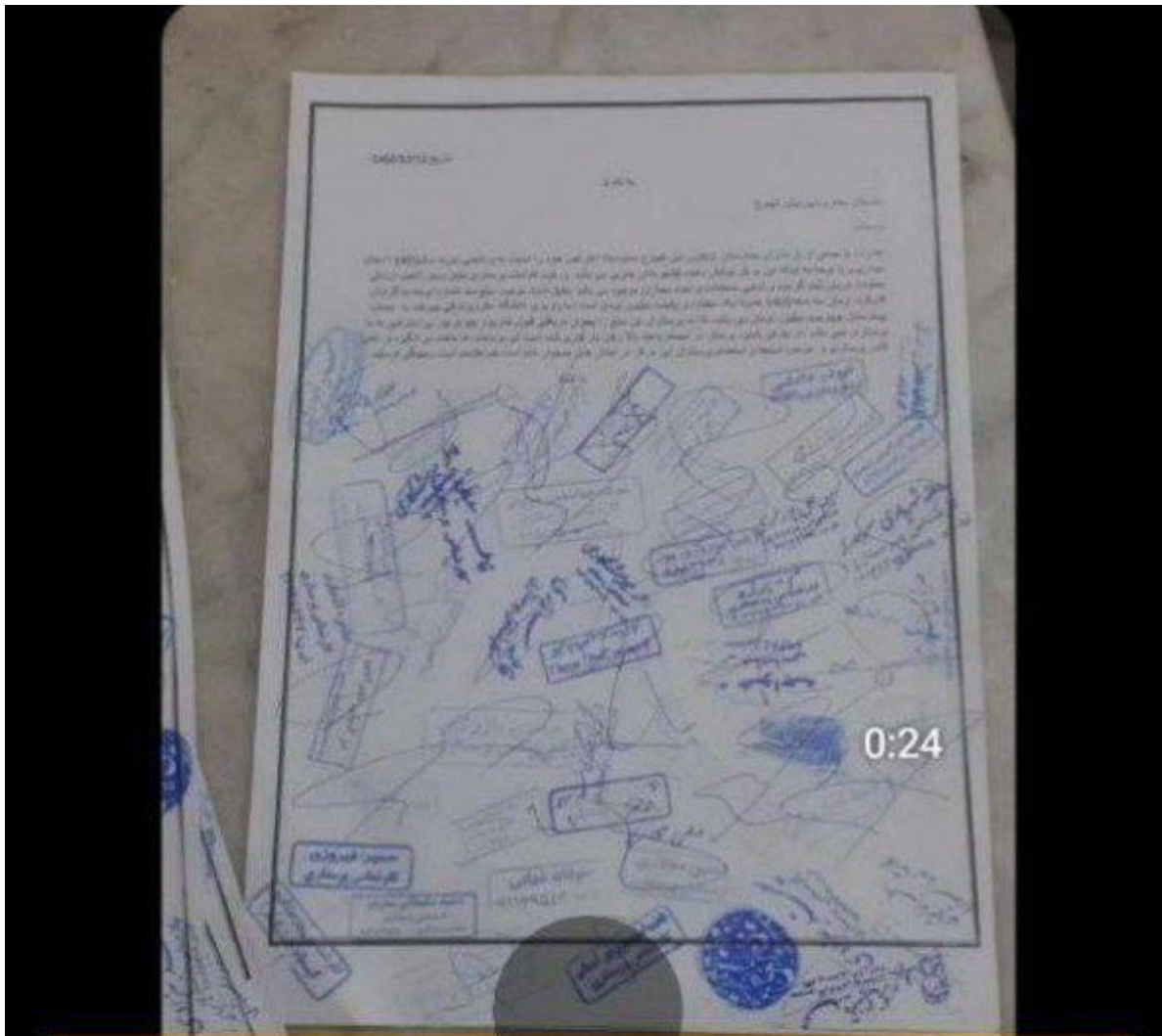
یکی دیگر از کارگران نیز گفت: تمام دستگاه‌ها و بار ورودی متعلق به البرز است، پیمانکار قبلی بابت بار ورودی چیزی پرداخت نمی‌کرد و فقط ماهیانه درصدی بابت تولید به شرکت البرز می‌داد؛ از سال 96 نیز بارها زمزمه فسخ قرارداد با پیمانکار شنیده می‌شد، اما اقدامی نشد تا اکنون که شرایط اینگونه شد و حالا کسی به به داد ما نمی‌رسد.

این کارگر شرکت زغال‌سنگ البرز مرکزی افزود: وقتی پیمانکار حق و حقوق ما را نمی‌داد، اعتراض کردیم و مدیران شرکت البرز مرکزی روزی در نمازخانه ساختمان اداری شرکت به ما گفتند شما با ما همکاری کنید تا قرارداد فسخ شود و تا آمدن پیمانکار جدید شما را به بیمه بیکاری می‌فرستیم، در صورتی که بیمه پرداخت نمی‌شد و ما بی‌خبر بودیم و اکنون نیز بیمه بیکاری به ما تعلق نمی‌گیرد.

وی افزود: از برج 7 برای ما بیمه‌ای رد نشده و نمی‌توان بیمه بیکاری گرفت، عید نزدیک است و ما دچار مشکل اقتصادی شدیم، درحالی که شرکت می‌تواند با نظارت اجازه دهد کار را شروع کنیم اما هر روز بهانه می‌آورد.

شد و شرکت با شرایط بالاتری پیش خواهد رفت تا مشکلاتی که در گذشته داشتیم، تکرار نشود.

**\*ادامه اعتراضات پرستاران نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق بیمارستان 12 فروردین کهنوج با استعفای دسته جمعی و شکایت از دانشگاه علوم پزشکی جیرفت**



استعفای دسته جمعی و شکایت پرسنل  
بیمارستان ۱۲ فروردین کهنوج از  
بیمارستان و مجموعه دانشگاه علوم  
پزشکی جیرفت بعثت عدم پرداخت  
مطالبات !

در همین رابطه: طومار اعتراضی پرستاران دانشگاه علوم پزشکی جیرفت نسبت به عدم پرداخت  
بموقع حقوق

جمعی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در بیمارستان شهرستان کهنوج در استان کرمان با  
امضای طوماری نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق اعتراض کردند و اعلام کردند با شرایط فعلی،  
ادامه کار خدمت‌رسانی به بیماران ممکن نیست.

**\*در ادامه سرکوب معلمان**

**ابلاغ نهایی حکم اخراج محمود ملاکی بازرس کانون صنفی معلمان بوشهر توسط دیوان عدالت اداری**

پیش‌تر هیات تجدیدنظر وزارت آموزش و پرورش حکم اخراج این فعال صنفی را صادر کرده بود؛ پس از اعتراض ایشان به حکم صادره دیوان عدالت اداری رای به حکم اخراج #محمود\_ملاکی را صادر کرد.

حکم شلاق و سه ماه حبس که به جریمه نقدی تبدیل شد نیز به اجرای احکام رفت.

لازم به ذکر است پرونده‌های متعدد قضایی علیه این فعال صنفی در جریان است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن این حکم ظالمانه و اعلام حمایت قاطع از آقای محمود ملاکی و دیگر فعالین صنفی، به آمرین و عاملین چنین احکامی هشدار می‌دهد که صدور این احکام نه تنها مانع مطالبه‌گری معلمان نخواهد شد بلکه این سرکوب‌ها خشم نهفته معلمان را شعله‌ورتر از هر زمانی خواهد کرد.

**\*دیوان عدالت اداری با رد تجدید نظر خواهی آموزش و پرورش گیلان رای برقراری رتبه بندی حسن نظریان معلم اخراجی مجددا تایید کرد**

حسن نظریان از اعضای کانون صنفی معلمان گیلان، پیش‌تر با حکم هیات تخلفات آموزش و پرورش هم از رتبه بندی محروم شده بود و هم با رای این هیات از کار اخراج شده بود.

در حالی آموزش و پرورش گیلان به رای دیوان در خصوص رتبه بندی ایشان اعتراض کرده است که با پرونده سازی‌های متعدد علیه این فعال صنفی حکم اخراج ایشان را صادر کرده است

شورای هماهنگی پرونده سازی‌ها علیه حسن نظریان معلم شجاع، آگاه و توانمند گیلان را محکوم می‌کند و خواهان لغو حکم اخراج و بازگشت به کار این فعال صنفی معلمان است

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

**\*اقدام به خودکشی يك راننده شرکت کشت و صنعت حکیم فارابی بدلیل عدم پرداخت حقوق**

روز سه شنبه 15 اسفند، يك راننده شرکت کشت و صنعت حکیم فارابی بدلیل عدم پرداخت حقوق اقدام به خودکشی کرد که خوشبختانه توسط همکارانش نجات یافت.

برپایه گزارش منتشره در شبکه های اجتماعی، یکی از کارگران این شرکت واقع در کیلومتر 35 جاده اهواز – آبادان در این باره گفت: این راننده به دلیل عدم پرداختن حقوقش دو روز مقابل درب شرکت خوابیده بود و بعد از دو روز به دلیل گرسنگی جهت تهیه مواد غذایی وارد شرکت شده که با ضرب و شتم ماموران نیروی انتظامی و حراست شرکت فارابی مواجه می شود، او را با مشت و لگد و توهین ناموسی از شرکت بیرونش کردند و به دلیل فشاری که به او وارد شده و به نشانه اعتراض، خود را مقابل درب شرکت حلق آویز کرد اما دیگر معترضین او را نجات دادند.

## **\*مرگ و سوختگی 4 کارگر پالایشگاه نفت آفتاب بندرعباس بر اثر آتش سوزی**

روز پنجشنبه 17 اسفند، بر اثر آتش سوزی یکی از کوره‌های پالایشگاه نفت آفتاب واقع در شهرک صنعتی خلیج فارس بندرعباس یک کارگر جان باخت و 3 کارگر دچار سوختگی و در بیمارستان بستری شدند.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)